



شماره ۵۲، سال پنجم - بهمن و اسفند ماه ۱۳۸۷ برابر با فوریه و مارس ۲۰۰۹

نشریه برونمرزی

جبهه ملی

ارگان نیروهای ملی ایران

سرمقاله

گرامی باد ۸ مارس روز جهانی زن

هوشنگ کردستانی

هشت مارس روز جهانی زن را به زنان کشورمان شادباش می‌گوییم.

هشت مارس روزی است نمادین برای یاد آوری تبعیضی که بر نیمی از انسانها یعنی زنان می‌رود و این روز تجلی اراده زنان برای محو این تبعیض و نابرابری است. تبعیض جهانی که ابعاد آن در کشورهای مختلف بشدت متفاوت است. درحالی که در کشورهای پیشرفته اقتصادی به دلیل وجود اندیشه و عمل دموکراسی، جنبش های زنان و نهادهای مدنی توانسته اند با به چالش کشیدن پدیده نابرابری جنسی نمودهای آن را کم رنگ و بر بخش زیادی از پیامدهای آن غلبه کنند در بسیاری از کشورهای دیگر اما مردسالاری چند هزارساله با سخت جانی در مقابل مطالبات برابر خواهی و حق طلبانه زنان ایستاده است.

در کشور ما نیز قدرت و حاکمیت سیاسی که بر ستون های باورها و تقدس های دینی مبتنی بر نابرابری جنسی تکیه زده، مردسالاری ریشه دار را در پناه خود گرفته و با اهرم قدرت سیاسی به تقویت آن پرداخته و با همه ابزار ممکن می خواهد آن را از تعرض جنبش زنان و جنبش دموکراسی حفظ کند.

بقیه در ص ۶

حرمت آزادی را پاس بداریم

« آزادی یعنی آنکه مخالفان ما هم آزاد باشند عقایدشان را بیان کنند، حتی علیه ما »

انتشار کتاب «دکتر محمد مصدق، آسیب شناسی یک شکست» آقای علی میرفطروس بحث هایی را در اعتراض و دفاع از کتاب و ایشان برانگیخته است.

نقد و بررسی کتاب اگر از روی بی غرضی و بدور از حُب و بغض و تهمت زدن آنهم توسط صاحب نظران صورت گیرد، کار بسیار پسندیده و بجایی است. یکی از سُنّت های ارزشمند در دنیای دموکراسی، آزادی بیان و گفتار است.

در میان انتقادهایی که به کتاب ایشان شده دو نوشتار - یکی از خارج و دیگری از داخل ایران - برای من فرستاده شده است. هر دو نویسنده و انتقاد کننده خود را واپسته به جبهه ملی و از پیروان اندیشه مصدق می دانند. آنها در نوشتارشان به جای نقد و بررسی و در مواردی از کتاب که با واقعیت های تاریخی همخوانی نداشته یا با آن موافق نیستند، اقدام به تهمت زدن بدون دلیل و سند نموده اند.

از آنجایی که من در دوران دبیرستان به جبهه ملی و حزب ملت ایران پیوستم و پس از نهضت مقاومت، در جبهه ملی دوم عضو کمیته دانشجویان بودم و سپس دبیر جبهه در کاشان و در دوران فعالیت های جبهه ملی چهارم دبیر جبهه در استان گیلان و سرانجام عضو شورای مرکزی شدم و اکنون نیز نزدیک به ۲۸ سال است به دلیل باور به آرمانهای ملی که همان اندیشه های مصدق است دور از سرزمین مادری که عاشق آن هستم بعنوان پناهنده سیاسی بسر می برم، لازم دانستم نکته هایی را به نویسندگان این دو نامه که آنها را از نزدیک نمی شناسم، یاد آور شوم.

بقیه در ص ۲

در این شماره می خوانید:

- حرمت آزادی را پاس بداریم
هوشنگ کردستانی
- گرامی باد ۸ مارس روز جهانی زن
جبهه ملی خارج از کشور و ...
- علت ها و راه کار اسلامی
مجله میراث ایران
- جبهه ملی ایران برابری حقوق زن و مرد را یک اصل ...
جبهه ملی ایران، درونمرز
- گزارش حزب ملت ایران از چهل و دومین سالروز درگذشت مصدق در احمد آباد
حزب ملت ایران
- خبرهای داخلی
- ستاره جاوید
سروده ای از نعمت میرزاده (م- آرم)

ایران متعلق به همه ایرانیان است

حرمت آزادی را پاس بداریم

بقیه از ص ۱
کسانی که خود را وابسته به جبهه ملی و پیرو اندیشه های مصدق می دانند می بایست حرمت آزادی را - که بیش از یکصد سال است ملت ما برای تحقق یافتن آن جانبازی و و فداکاری کرده است - پاس بدارند.

ولتر فیلسوف بزرگ فرانسوی خطاب به منتسکیو می گوید: « من با آنچه شما نوشته اید موافق نیستم ولی حاضرم جانم را فدا کنم تا شما بتوانید حرفهایتان را بزنید».

حرمت به آزادی بیان و نوشتار نه تنها در اندیشه و فلسفه فیلسوفان اروپایی پس از رنسانس وجود داشته است، در فرهنگ خودمان نیز بسیاری از بزرگان شعر و ادب فارسی برای آزادی حرمت و احترام قائل بوده اند. حافظ سخن سرای بزرگ پانصد سال پیش از « ولتر» می گوید:

« ما نگوئیم بد و میل به ناحق نکنیم

جامه کس سیه و دلخ خود ازرق نکنیم

حافظ از خصم خطا گفت نگیریم بر او

ور به حق گفت، جدل با سخن حق نکنیم»

ما وارثان چنین اندیشه هایی هستیم که آزادی بیان را نه تنها برای دیگران بلکه برای خصم هم حتی اگر خطا گفته باشد قائل بوده اند.

هم وطنان به ویژه جوانانی که خود را وابسته به جبهه ملی و پیرو اندیشه مصدق می دانند باید از تاریخچه جبهه ملی و مبارزات بنیان گذار آن آگاه داشته باشند.

مصدق در بدو رسیدن به نخست وزیری طی نامه ای که به رئیس شهربانی نوشت یادآور شد که اشخاص و نشریاتی که به شخص من حمله یا توهین می کنند قابل تعقیب نیستند. او هیچگاه در دوران نخست وزیری و پس از آن به اشخاص و نشریات و سازمانهای سیاسی که به ناحق به او حمله کرده و تهمت زدند پاسخ نداد.

کسانی که خود را پیرو اندیشه های این آزادمرد می دانند نه تنها نباید مانع آزادی بیان و نوشتار شوند بلکه باید از اصل آزادی بیان و نوشتار دفاع نمایند. هرگاه مطالبی از دید آنها خلاف واقع است با دلیل و مدرک و نه با تهمت زدن رد نمایند. تهمت زدن بدون دلیل و مدرک آنهم از روی تصور و خیال در شأن ایرانی آزادخواه نیست.

متأسفانه این شیوه که پسندیده نیست از سوی مدافعان کتاب آقای میرفطروس نیز علیه مخالفان بکار گرفته شده است.

توجه داشته باشیم در مورد کتاب «دکتر محمد مصدق، آسیب شناسی یک شکست» نه از سوی شورای مرکزی جبهه ملی، نه دبیرخانه حزب ملت ایران و نه حزب ایران و نه سایر سازمان های ملی و مصدقی هیچگونه موضع گیری رسمی به عمل نیامده است. این عدم موضع گیری نه بخاطر قبول مطالب نوشته شده در کتاب بلکه به دلیل حرمت

گذاردن به اصل آزادی است که مورد قبول و پذیرش و از آرمانهای ماست.

تردید ندارم یاران مصدق هم اگر زنده می بودند به انتشار کتاب ایراد نمی گرفتند بلکه با منطق و استدلال آن مواردی را که خلاف واقع می دانستند بیان می کردند و حق پاسخ گویی را هم برای دیگران قائل بودند. چرا که بیان دیدگاه های گوناگون می تواند به روشن شدن حقیقت امر یاری رساند.

من که حدود ۲۵ سال است با آقای علی میرفطروس دوستی صمیمانه و نزدیک دارم هیچگاه به ایشان نگفته ام که چرا این کتاب را نوشته و منتشر کرده است. من نوشتن کتاب را حق هر ایرانی صاحب قلم می دانم. به همانگونه که نقد و انتقاد راهم حق هر هموطن می دانم. تهمت های ناروایی که به ایشان زده شده دور از آئین جوانمردی و آزادیخواهی است که سنت دیرپای ماست.

علی میرفطروس در زندگی خصوصی انسانی است موجه و منطقی که دوستی ۲۵ ساله ما گواه آنست. ما هر دو با تفاوت سلیقه های سیاسی به دلیل آرمانهای مشترکمان برای نجات مردم و پیشرفت و ترقی آینده ایران با هم دوست بوده و هستیم. میرفطروس پس از کناره گیری از گرایش های چپ، به سمت گرایشات ملی گروید. او با چاپ کتابهای متعدد و ارزنده به فرهنگ و ادبیات معاصر ما خدمت کرده است. یک ایرانی باگرایش های ملی می تواند و حق دارد بعنوان پژوهشگر تاریخ مطالبی عنوان کند که با دیدگاه ما مغایر و یا با واقعیت های تاریخی در تضاد باشد. نباید انتظار داشت هر ایرانی به تاریخ آنگونه بنگرد که ما می نگریم و آنگونه بنویسد که ما می پسندیم. تفاوت ما با پیروان نظام کنونی و گذشته در همین گونه گونه نگری به تاریخ و تفاوت اندیشه هاست.

توجه داشته باشیم که پس از گذشت بیش از شصت سال از پایان جنگ جهانی دوم، هنوز هم مورخان و سیاست مداران فرانسوی در مورد «ژنرال دگل» و «مارشال پتن» هم عقیده و هم رأی نیستند.

در مورد ویلی برانت «غول سیاست بعد از جنگ آلمان» نیز همه آلمانی ها یکسان نمی اندیشند. چرا ما پیروان اندیشه مصدق که اصل نخست آرمانهایمان آزادی است، باید توقع داشته باشیم که همه هفتاد و پنج میلیون ایرانی درون و برون کشور در مورد مصدق یکسان بیاندیشند و دارای دیدگاه مشترک باشند. آیا این مغایر با اصل آزادی نیست؟

مبارزات مصدق را تنها به ملی کردن صنعت نفت و طرد نفوذ بیگانه از دخالت در امور ایران محدود کردن، کاستن از ارزش های برجسته مصدق در زمینه های دیگر است. عظمت کار مصدق را باید در تأمین و تضمین آزادیهای فردی،

علت ها و راه کار اسلامی فحشا

برگرفته از: مجله میراث ایران

الف: علل بروز گسترش فحشا:

در ایران گسترش فحشا یکی از نتایج سیاست های اقتصادی حکومت اسلامی است. سیاست ناکارآمد و غیرعادلانه ای که فقر، بیکاری و بی سوادی دستاوردش بوده و هست. جنگ ۸ ساله نیز در گسترش فحشا نقش ایفا کرد. جان باختن صدها هزار شوهر و نان آور خانواده، و بی خانمانی و آوارگی میلیون تن از عوامل اشاعه فحشا نیز شد. هیچ کدام از ناپهنجاری های جامعه اما مانند فحشا و اعتیاد بر یکدیگر تأثیر نمی گذارند ...

ازدواج اجباری دختران با مردانی که دارای اختلاف سنی زیاد یا اختلاف فرهنگی هستند نیز یکی از عوامل زمینه ساز فحشا می باشد. طبق تحقیقات آماری ۱۴٪ زنان روسپی دارای هوو بوده اند. زیاده خواهی و تنوع طلبی مردان نیز در رابطه با گسترش فحشا نقش ایفا می کند. رابطه جنسی زن و مرد در خارج از تعهدات زناشویی برای زنان مایه سرزنش و ننگ است، اما برای مردان آن چنان سرزنش باز نیست. این نحوه قضایات دوگانه در افکار عمومی می تواند عاملی برای تنوع طلبی مردان باشد. باین آمدن میزان ازدواج به دلیل مشکلات اقتصادی، تنگدستی، بیکاری روزافزون بزرگ ترین مانع برای ازدواج جوانان است که خود می تواند یکی از عوامل فحشا باشد. وجود فضای باس و ناامیدی در میان جوانان ایران نیز در گسترش فحشا نقش بازی می کند. با میزان ۶۰٪ جمعیت زیر ۳۰ سال، در آلمان ۱۸٪ می باشد.

جوانان ایران چشم انداز امیدبخشی برای آینده ندارند. این فضای باس و ناامیدی و سرخوردگی موجب بروز اعتیاد، خودکشی و فحشا می شود. تجاوز نزدیکان یا محارم نیز در ایران شایع شده است. ۱۱٪ از دختران روسپی توسط پدر، برادر یا دایی و عموم مورد تجاوز فرار گرفته اند ... از علل دیگر گسترش فحشا در حکومت اسلامی پدیده دختران فراری هستند، دخترانی که برای گریز از نابسامانی های خانوادگی و اجتماعی به سوی فحشا و «تجارت برده داری جنسی» کشیده می شوند. حتی در روزنامه های حکومتی می توان روزانه گزارش و یا خبری در این رابطه خواند.

فحشا و دوست آموزان شان اما همچون دیگر عرصه های حیات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی «سوراخ دعا را گم کرده اند»، اینان علل بروز فحشا را تساوی حقوق زن و مرد، حجاب، سینما، ماهواره، اینترنتی و ... می دانند. آیت الله خمینی، بنیانگذار حکومت اسلامی ایران در یکی از سخنرانی هایش اظهار داشت ما با سینما مخالف نیستیم با فحشا مخالفیم.

آیت الله خلیلی، قاضی القضاات جنایتکار خمینی نیز گفته است: «... اگر در فیلمی دختری با زینت و آرایش غلیظ نمایش داده شود، منجر به اشاعه فحشا می شود ...» فحشا کار را به جایی رسانده اند که عکس های آموزشی را در کتاب ها و مجلات پزشکی، و کتاب های تشریح بدن انسان، که مورد استفاده دانشجویان و پزشکان قرار می گیرد از «مظاهر اشاعه فحشا» اعلام کرده اند و بخش های ممنوعه را با مازیک سیاه محجبه می کنند! فقهایی که توضیح المسائل ها و حلیته المتقین ها و طب الکتاب هایشان سرشار از بحث ها و آموزش های «انحرافی» و «فبیحه» جنسی است.

در رابطه با حل معضل فحشا نیز «راه حل» اسلامی، عبور کرده از بیش از ۱۴ قرن اعمال می شود. نتیجه این راه حل های اسلامی در ایران امروز، و با اتکا به آمارها و خبرهای حکومتی، برای نمونه اینگونه است:

«... بر مبنای منبعی دولتی در تهران، تعداد نوجوان روسپی ۶۳۵٪ افزایش یافته است ... در تهران تعداد تقریبی ۸۴۰۰۰ تن زن و دختر در کار فحشا هستند که بسیاری از آنها در خیابان ها و بقیه در ۲۵۰ فاحشه خانه می باشند. رئیس پلیس بین المللی معتقد است که امروزه تجارت بردگی جنسی یکی از پرسودترین فعالیت ها در ایران است ...»

تازنمای حکومتی «بازتاب» نیز به گسترش فحشا در جامعه اشاره دارد: «اطلاعات و آمارهای جمع آوری شده در زمینه بزهکاری های اجتماعی، از افزایش نگران کننده ۳۲ درصدی افراد دستگیر شده به اتهام تشکیل باندهای فساد و فحشا حکایت دارد. به گزارش خبرنگار «بازتاب»، در پنج ماهه نخست سال جاری، بیش از ۳۲۰۰ تن در کل کشور به این اتهام بازداشت شده اند که این رقم نسبت به مدت مشابه سال قبل، ۳۲٪

افزایش نشان می دهد. بر پایه بررسی های پژوهشی انجام شده از این افراد، وجود زنان مطلقه و نبود سرپناه و حمایت نکردن دستگاه های متولی از آنان، عدم تمکن مالی برخی از خانواده ها و روی آوردن فرزندان و یا سرپرست خانواده به مسائل مغایر با اخلاق و عفت عمومی، از عوامل رشد این بزه اجتماعی عنوان شده است. همچنین درآمدهای کاذب از قبل این پدیده، استفاده از تکنولوژی روز و بی توجه به پیامدهای تخریبی ناشی از برنامه های ماهواره، اینترنت و فیلم های غیرمجاز، بیکاری و روی آوردن قشر جوان به این پدیده نکوهیده، از عوامل گسترش این باندها و مراکز فساد و فحشا به شمار می رود ...»

ب: راه کار اسلامی:

راه کار اسلامی به طور عمده دوگونه بوده است: کشتار تن فروشان و ازدواج موقت همراه با تعدد زوجات.

کشتار و سوزاندن تن فروشان و «خانه های فساد». از روزهای پیش از ۲۲ بهمن آتش زدن فاحشه خانه و کشتار تن فروشان و پاندازان خرده با آغاز شد و هنوز نیز ادامه دارد ... نه فقط قاضی های شرع، باندهای جنایت کاری که فتوای فقها در دست داشتند به کشتار این ستمدیدگان بی عدالتی روی آوردند. یک نمونه اش باند «شاهین عدالت اسلامی» بود که در سال ۱۳۵۸ شکل گرفت. اعضای این باند که «حزب الهی» بودند زنان خیابانی را می ربودند و به قتل می رساندند. قتل های زنجیره ای تن فروشان از دیگر وظایف بسیجیان و پاسداران حکومت اسلامی بوده و هست. سال ۱۳۸۴ حکومتی یان اعلام کردند ۵۱ زن تن فروش در ۵ نوع قتل زنجیره ای به قتل رسیدند. «نمونه اش جنایات «سعید حسایی» از اعضای بسیج است. این قاتل که ۱۶ تن از زنان تن فروش را به قتل رسانده بود، در گفت و گویی گفت: «... اگر دستگیر نمی شدم ۱۵۰ زن خیابانی دیگر را می کشتم». همین گونه بودند قاتلین عفو شده «محفل کرمان». از میان کشتارها و اعدام ها، اعدام عاطفه ۱۶ ساله، و آنچه با لیلا مافی ۱۹ ساله کردند، نمونه هایی دیگر از جنایات فقها در این عرصه است. لیلابی که از نظر ذهنی هشت ساله بود، و از نه سالگی به دلیل فقر و فشار خانواده ناچار به تن فروشی شده بود، لیلابی که در دوازده سالگی به عقد مردی افغان درآمد که پس از ازدواج نیز مادرشوهر او را به فحشا واداشته بود. این دست برخورد های غیرانسانی و جنایتکارانه حتی از سوی زنان حزب الهی ای که نماینده مجلس اسلامی اند نیز تبلیغ و طرح شده است. یکی از همین زنان عشرت شایق است. این نایب رئیس فراکسیون زنان گفته است: «در خصوص زنان خیابانی خلاء قانونی نداریم و اگر ۱۰ تن از زنان خیابانی اعدام شوند، دیگر زن خیابانی نخواهیم داشت.» و اینگونه است که کشتار و به آتش کشیدن خانه و زندگی تن فروشان هنوز ادامه دارد. حکومت اسلامی ایران به جای فرزدایی و تدوین و اجرای قوانین عادلانه اجتماعی و اقتصادی و «بجاد نظام تأمین اجتماعی و ساختارهای حمایت کننده و گونه هایی از اتحادیه های بازپروری و کاریابی ... و نگاهی آسیب شناسانه و بهداشتی به فحشا». با آتش زدن فاحشه خانه ها و کشتار فاحشه ها و پاندازان خرده پا، و راه حل های عهد بوقی به جنگ این پدیده رفته است و به خیال اینکه یا پوشاندن چادر و گذاشتن حجاب شرعی بر سر فحشا می تواند آن را لاپوشانی کند، جز پراکندن و گسترش فحشا و پیامدهایش - نه فقط در سراسر ایران حتی در سراسر جهان و به ویژه در میان کشورهای همسایه اش - کار دیگری نکرده است.

سی سال تجربه نشان داده است که با مفسد فی الارض خواندن قربانیان بی عدالتی های اقتصادی و اجتماعی، و کشتار آنان لگه ننگ از عبا و عمامه و چادر و مقنعه فقها و دست آموزان شان پاک نخواهد شد. این تجربه سی ساله بار دیگر نشان می دهد که اگر مفسد فی الارضی در ارض وجود داشته باشد، که دارد، حکومت ها و حکومتی یانی هستند که عامل بروز فحشا می باشند.

جبهه ملی خواهان نظامی است که تضمین کننده حقوق شهروندان باشد

گزارش تصویری از حرکت اعتراضی علیه جمهوری اسلامی



جبهه ملی ایران برابری حقوق زن و مرد را یک اصل سازش ناپذیر می داند

هم میهنان عزیز،

شکوفایی و بویابی جنبش زنان ایران برای تحقق آزادی و برابری برای بسیاری از صاحبان قدرت چنان نگران کننده شده است که بیش از پیش دادگاههای جمهوری اسلامی را برای ایجاد محیط رعب و وحشت و کاستن از روند رو به رشد جنبش بخدمت گرفته اند. فعالیت های مسالمت آمیزی مانند گردآوری امضاء سبب آزار و توهین و شلاق و زندان می شود. حد و مرز ورود مأموران امنیتی به خانه های این فعالان از بین رفته است. چنانکه در روزهای اخیر برای بازداشت سه فعال جنبش زنان از جمله خانم نفیسه آزاد مأموران امنیتی با ادعای داشتن مجوز بازرسی بطور خشنونت آمیزی وسایل منزل ایشان را در هم ریختند. و نیز مورد بانو عالییه اقدام دوست که در ۲۲ خرداد ۸۵ به مناسبت شرکت در اجتماع قانونی بزرگداشت روز زن شرکت کرده و بازداشت شده بود، با رای دادگاه تجدید نظر به سه سال زندان تعزیری محکوم و به زندان اوین برده شده است. دستگیری های بی شمار زنان فعال کشور که به نابسامانی خانوادگی و آثار سوء روی کودکانشان می انجامد بصورت گسترده ادامه دارد.

نقش سازنده زنان ایران در جنبش حقوق بشری و برابری خواهی چشمگیر است. در حالی که اعلامیه جهانی حقوق بشر برابری زن و مرد را تضمین کرده، و قانون بین الملل از قوانین داخلی ما فراتر است، زنان ایران بایستی برای بنیادی ترین حقوق خود که عدم تبعیض جنسیتی است و در جمهوری اسلامی نادیده گرفته می شود، مبارزه کنند.

حاکمیت جمهوری اسلامی برابری و عدم تبعیض جنسیتی را بر نمی تابد و نسبت به زنان بصورت زبردستی محدود در چارچوب خانواده سنتی می نگرد. زنان میهن ما نشان داده اند که افزون بر حفظ جایگاه ویژه خود در خانواده، دارای توانمندی های گسترده ای هستند و قادرند دوشادوش مردان و گاه فراتر از آنان در اجتماع حضور داشته باشند و سهم خود را در تلاش برای پیشرفت و سعادت ملت ایران و بنیانگذاری یک ایران آزاد و مردم سالار را به دوش کشند. زنان ایران را هرگز تهدید و زندان نتوانسته و نخواهد توانست از اوج ایرانی بودن به سطح ارزشهای قبیله ای تاریخ گذشته پایین بکشد؛ همانگونه که در دانشگاهها دختران دانشجو با اکثریتی قاطع و کیفیتی چشمگیر حاضر هستند و با همه دشواریهایی که برای ورود و ادامه تحصیل آنان ایجاد شده است با پیروزی هایشان کوتاه فکران را حیرت زده کرده اند.

جبهه ملی ایران، برابری حقوق زن و مرد را یک اصل سازش ناپذیر می داند، و از جنبش های برابری خواهانه و حقوق بشری زنان ایران پشتیبانی می کند. زنان نیمی از جامعه ایرانی و عهده دار رسالتی بزرگ در کنار مردان برای رسیدن به آزادیهای فردی و اجتماعی یعنی حاکمیت ملی هستند. ما خواستار آزادی سریع و بی قید و شرط زنانی هستیم که بخاطر مبارزه برای حقوق بنیادین خود به عنوان عضو جامعه بشری زندانی هستند.

جبهه ملی ایران، تهران - تاریخ ۲۳ بهمن ۱۳۸۷

حرمت آزادی را پاس بداریم

بقیه از ص ۲

اجتماعی و سیاسی و برقراری حاکمیت مردم دانست که حضور فعال مردم، احزاب و اتحادیه های صنفی را در صحنه سیاسی و اجتماعی کشور عامل بزرگ تحقق آزادی و استقرار حاکمیت مردم و پایداری و ماندگاری آن می دانست. امری که در دوران مشروطیت چه پیش از نخست وزیری او و چه پس از آن کم سابقه بود.

اساساً داوری پیرامون شخصیت های سیاسی در زنده بودنشان با مردم و در نبودشان با تاریخ است. در مورد مصدق، هم مردم داوری خود را کرده اند و هم تاریخ. از این رو، پیروان اندیشه مصدق - اندیشه آزادیخواهی و حاکمیت مردم - نه توقع تأیید از سوی همگان دارند و نه نیاز به آن.

شوربختانه رویداد ۲۸ مرداد سال ۲۲ هموطنان ما را به دو گروه مخالف هم تقسیم کرده است. بیاییم با حرمت گذاری به آزادی عقیده با هم به جدل نپرداخته و تهمت ناروا نزنیم و در مبارزه سرنوشت ساز رهایی ایران رو در روی هم قرار بگیریم و بدانیم تفرقه و پراکندگی باعث بقای استبداد مذهبی حاکم بر ایران شده است.

همانگونه که گفتیم من تاکنون به آقای میرفطروس نگفته ام که چرا این کتاب را منتشر کرده است. تنها پرسش این است که طرح مسئله «کودتا و یا قیام مردمی» چاره ساز کدام یک از دردهای جانگداز کنونی ملت ماست؟ و آیا طرح آن به گسترش شعله های آتش نفاق و پراکندگی میان نیروهای ملی و آزادیخواه دامن نخواهد زد؟ و آیا پراکندگی ما به سود بقای نظام اسلامی نیست؟

در پایان لازم می دانم اشاره داشته باشم به رویداد ۲۸ مرداد آنگونه که من شاهد بودم. پیرامون این موضوع که در کتاب «آسیب شناسی یک شکست» آقای میرفطروس آمده است روز ۲۸ مرداد سیل خروشان از مردان، زنان و کودکان ما به سود بقای نظام اسلامی نیست؟

بقیه در ص ۵

جبهه ملی خواهان نظامی است که تضمین کننده حقوق شهروندان باشد

گزارش حزب ملت ایران از چهل و دومین سالروز درگذشت مصدق در احمدآباد

«امسال به دنباله آیین بزرگداشت چهل و دومین سالروز درگذشت مصدق بزرگ با حضور گروهها سازمانها واحزاب ملی در قلعه احمدآباد قلعه ای که در آن دکتر محمد مصدق سالها به حالت تبعید و زندانی به سر برد و در آنجا به خاک سپرده شد برگزار گردید. نخستین گروهی که وارد قلعه شد دانشجویان، هموندان و هواداران حزب ملت ایران بودند که از چهار گوشه میهن با گل بسته ای که به نشان حزب آراسته شده بود به زیارت مزار پیشوا شتافتند. گروههای جبهه ملی ایران - جاما - نهضت آزادی ایران - ائتلاف نیروهای ملی - مذهبی - جنبش مسلمانان مبارز - دفتر تحکیم وحدت - سازمان حقوق بشر کردستان - دگراندیشان چپ - جمعیت هواداران مصدق شاخه کرمانشاه - گروهی از جوانان حزب پان ایرانیست - دانشجویان دانشگاههای تهران - علم و صنعت و گروههای اجتماعی از سنج - قزوین - همدان و زنجان در گروههای گوناگون وارد قلعه احمدآباد شدند و گروهی از فعالان سیاسی و اجتماعی استان سیستان و بلوچستان که بدلیل مشکلات پروازها نتوانستند خود را به مراسم برسانند شفاها حضور معنوی خود را به اطلاع گردانندگان مراسم رسانند. آیین اصلی در ساعت ده و نیم بامداد با فراخوان حسین سکاکی رزمنده دیرپای نهضت ملی ایران آغاز گردید و سپس دکتر محمود مصدق به یادآوری خاطراتی از اعتقاد راسخ پیشوای آزادی به جوانان میهن در مسیر مبارزات رهایی بخش ملی پرداختند. نخستین سخنران مراسم دکتر بهروز برومند عضو شورای مرکزی حزب ملت ایران با محوریت پیامدهای آموزشهای دکتر مصدق بر همه گروههای سینی بود که در بخش هائی از آن گفت: میراث ارجمند دکتر محمد مصدق، مهرورزی پاکدلانه به آزادی و مردم سلاری و زندگی سر بلند و افتخارآمیز برای همه ایرانیان از هر گونه و تبار و با هرگونه گرایش بود و هست که چکیده آرزوها و خواستههای همه مردم ایران و آزادگان این سرزمین بشمار میرود. همانگونه که امروز پس از نیم قرن نسل جوان بدون داشتن تجربه شخصی و حضور در زندگی اجتماعی و سیاسی دوران اوج خیزش و جنبش ملی، همچنان نام مصدق را کلیدواژه و رمزگان مبارزه آینده نگرانه خود می شناسد.

در ادامه برنامه یکی از بانوان به خواندن چند شعر پیرامون روش و منش پیشوای آزادی پرداخت. سخنران بعد آقای حسین شاه حسینی از مبارزان دیرپای نهضت ملی به ذکر فراهائی از منش و روش دکتر مصدق و باور ایشان به آزادی و استقلال ایران پرداختند. مراسم در ساعت دوازده و سی دقیقه با سرود ای ایران، یار دبستانی و ذکر شعارهای درود بر مصدق، سلام بر آزادی، دانشجوی زندانی آزاد باید گردد، زندانی سیاسی آزاد باید گردد پایان پذیرفت.

از نکات مهم مراسم ضبط اعلامیه های دانشجویان دانشگاه علم و صنعت، بازداشت یکی از دانشجویان دانشکده روانشناسی دانشگاه تهران و هوشیاری برگزارکنندگان مراسم برای خنثی کردن و جلوگیری از توطئه گروههای فشار برای ضرب و شتم و ضبط موبایلهای دانشجویان بود.

تهران، شامگاه ۱۴ اسفند ۱۳۸۷ خورشیدی، روابط عمومی حزب ملت ایران

حرم آزادی را پاس بداریم

بقیه از ص ۴

فریاد می کشیدند شاه پیروز است و برخلاف هفته های پیش توده مردم شامل اراذل و اوباش نبودند، بلکه از همه طبقات در آن حضور داشتند و بسیاری از آنان لباس های خوب بر تن داشتند و توسط دیگر شهروندان هدایت و حمایت می شدند».

باید بگوییم این حرکت قبل از همه، از بخش های جنوبی شهر تهران برخاست. سازماندهندگان آن لوطی های جنوب شهر بودند که توسط «مقدم» کارخانه دار معروف، برادران رشیدیان و میراشرفی از نظر مالی تأمین شده بودند. آنها با پرداخت پول مردم را تشویق به سوار شدن در کامیونها می کردند. این حرکت نه از بازار و توسط کسانی که لباس های خوب داشتند بلکه از نقاط جنوبی شهر آغاز و به سمت بازار، مرکز رادیو تهران و سپس خانه مصدق کشیده شد.

در مسیر حرکت برخی از شرکت کنندگان که ورزشکاران باستانی کار بودند برای جلب توجه مردم اقدام به نمایش حرکت های ورزشی می کردند. در هیچ جای دنیا سربازان به اینکار خود به تظاهرکنندگان نمی پیوندند بلکه تابع دستور از مقام های ارشد خود هستند. حضور تانک ها که جای آنها در یادگانهای نظامی و نه در خیابانهای شهر بود، نشان می داد که از مقام های بالاتر به نظامی ها و انتظامی ها دستور شرکت در عملیات داده شده است. عکس های افراد شرکت کننده در تظاهرات ضد مصدق بر روی کامیونها و تانک ها نشان می دهد که آنها از کدام بخش از مردم جامعه بودند.

اگر مردمی که چند سال پشتیبان مصدق بودند اقدام به تظاهرات علیه مصدق می کردند، دست کم قصد کشتن مصدق را نمی داشتند و آنگاه که موفق به کشتن او نشدند منزل او را غارت و چپاول نمی کردند تا آن حد که گلدانهای منزل او را هم با خود ببرند.

اصولاً پی آمد یک قیام مردمی، راهگشای آزادی های مردم و رسانه های خبری و فعالیت های سیاسی است در صورتیکه از غروب ۲۸ مرداد حکومت نظامی در تهران و شهرستانهای بزرگ برقرار شد و از اجتماع بیش از سه تن جلوگیری بعمل می آمد. به گفته مصدق «وقتی که ملت دولتی را سر کار می آورد و دولت مبعوث ملت است نمی تواند صدای مردم را خفه کند و نگذارد مردم حرفشان را بزنند. خفه کردن صدای مردم کار سیاست استعماری است. روش آنهاست که نفس کسی در نیاید تا هر کاری دلشان می خواهد بکنند، تا قرارداد نفت ببندند و کنسرسیوم بیاورند و ...»

قدرت یابی حزب توده را نمی تواند عامل اصلی اقدام به کودتا علیه مصدق دانست بلکه بهانه ای برای سرنگونی دولت ملی مصدق بود.

اگر حزب توده در ایران قدرت یافته بود یک علت آن فقر ناشی از سیاست های استعماری انگلیس و فساد ناشی از عوامل در رأس قدرت و وابسته به آن سیاست بود. اگر غرب نگران قدرت یابی حزب

بقیه در ص ۶

حرم آزادی را پاس بداریم

بقیه از ص ۵

توده بود نمی بایست درهای فروش نفت را که می توانست باعث شکوفایی اقتصاد ایران و کاهش فقر و بیکاری و در نتیجه کاهش نفوذ حزب توده گردید به روی ایران ببندد.

اگر ۲۸ مرداد قیام مردم علیه مصدق بود، بعوض آنکه شاه در اولین دیدار با کیم روزولت به او بگوید «من سلطنتم را اول از خدا و دوم از شما دارم» می گفت من سلطنت خود را اول از خدا و سپس از مردم ایران دارم.

گرچه در مقایسه وضع اسفناک کنونی با گذشته، مردم برتری را با دوران پیش از انقلاب اسلامی می دهند ولی این به مفهوم بازگشت به گذشته و استقرار مجدد استبداد سلطنت نیست. پس از به پایان رسیدن عمر نظام مذهبی امکان ندارد استبداد دیگری - سلطنتی یا ایدئولوژیکی - بتواند در ایران برقرار گردد. امری که میرفطروس نیز به آن معتقد است.

متهم کردن میرفطروس به اینکه گویا خواهان بازگرداندن خاندان پهلوی و استقرار استبداد مذهبی است، اتهامی به دور از حقیقت و مغایر با واقعیت های سیاسی امروز دنیاست. مگر آنکه برای افراد نقشی فراتر از اراده و قدرت ملی قائل باشیم. گزینش نوع نظام و سرنوشت سیاسی آینده ایران تنها در اختیار و اراده مردم ایران است و بس.

گفته ها، نوشته ها و مصاحبه های دولتمردان آمریکا و انگلستان که آخرین آن هفته پیش توسط وزیر دادگستری انگلیس در نمایشگاه شاه عباس در لندن بیان شد، همه حاکی از انجام کودتای سازمان «سیا» و عوامل انگلیس علیه دولت مصدق است که در مواردی هم با اظهار تأسف از وقوع این رویداد تلخ تاریخی همراه بوده است.

اما اینکه در دیدار هندرسون سفیر آمریکا با مصدق در روز ۲۷ مرداد چه گفت و گوهایی انجام گرفت آگاهی دقیقی در دست نیست. همین قدر می دانیم که هندرسون به مصدق گفته است که آمریکا دولت او را برسمیت نمی شناسد. آیا پیام با تهدیدهایی همراه بوده است؟ پاسخ اگر آری باشد، مسلّم است که مصدق حاضر به پذیرش مسئولیت یک جنگ داخلی و کشت و کشتار مردمی که پی آمد آن ناروشن بود و امکان داشت پای دو ابرقدرت شرق و غرب را به ماجرا بکشاند

بقیه در ص ۸

گرامی باد ۸ مارس روز جهانی زن

بقیه از ص ۱

در سالی که گذشت جنبش زنان در کشورمان دستاوردهای گرانقدری داشت. جنبش زنان که نیروی خود را برآن متمرکز کرده بود که روابط نابرابر غیر انسانی در حوزه خصوصی و اجتماعی زندگی زنان را به افکار عمومی بنمایاند، توانست تا حد زیادی موفق شده و حساسیت افکار عمومی را به عمق و گستره این نابرابری جلب کند. آشکار سازی خشونت که بر زنان می رود یکی از این دستاوردها بود. خشونتی که فرهنگ مرد سالار و حکومت دین سالار بر زنان کشورمان اعمال می کنند.

این خشونت اشکال مختلفی دارد، قوانین مدنی و قضایی غیر انسانی و قوانین نانوشته ای که بشکل سنت های ارتجاعی و عادات اجتماعی، در پی کنترل رفتاری و کرداری و اندیشگی زنان هستند و سلطه جنسی بر جنس دیگر را تداوم می بخشد. در سال گذشته کمتر روزی بود که یکی از نموده های خشونت بر زنان در جایی از کشورمان توسط فعالین جنبش زنان در معرض قضاوت افکار عمومی قرار نگیرد.

جنبش زنان ایران از طریق تلاش برای توسعه اندیشه برابری مرد و زن در جامعه و گسترش تشکل های زنان و نمایاندن تبعیض ها به هر شکل، راه ناهموار و طولانی را پی می گیرد.

سازمان های زیر به عنوان نیروهای سیاسی که برای دموکراسی و عدالت اجتماعی در کشورمان تلاش میکنند، از برابری حقوق زن و مرد دفاع کرده و امکان استقرار دموکراسی بدون برسمیت شناختن این برابری و مبارزه برای تحقق کامل آن را امکان پذیر نمی دانند. ما به سهم خود علیه هرگونه دیدگاه مردسالار و همچنین سنن و آداب ارتجاعی که با فشار بر زنان مانع رشد آزادانه و مستقل آنها می شوند، مبارزه می کنیم. ما جنبش زنان ایران را بخش مهمی از جنبش دموکراسی و برابری خواه می دانیم که اهدافشان در پیوند تنگاتنگ با یکدیگر است. ما دستاوردهای جنبش زنان را ارج گذارده و قدرت مندی آن را آرزومندیم. باردیگر روز ۸ مارس را به زنان ایران شادباش می گوئیم.

جبهه ملی خارج از کشور

سازمان جوانان جبهه ملی ایران خارج از کشور

جمعیت آزادیخواهان ایران

سازمان جوانان ایران آزاد

سازمان حقوق بشر زندگی کن و بگذار زندگی کنند

خبرهای داخلی

زیر نام «بلند» داریوش احساس حقارت می کنند

نام داریوش بزرگ را در شعری که بر روی ضریح دانیال نبی در شوش نقش بسته بود، حذف کرده اند.

بینی که می گوید:

«بیاد آر از دوره داریوش

که خود قبله گاه جهان بود شوش»

این کار نشان دهنده آنست که سرمداران جمهوری اسلامی همانگونه که از نام فردوسی و دیگر قهرمانان بزرگ تاریخ ایران احساس کوچکی می کنند، از نام داریوش بزرگ نیز، احساس حقارت و کوچکی به آنها دست می دهد.

بی شک این حرکت ناپسندیده که در راستای کاستن از ارزش های ملی و تاریخی است واکنشی جز افزایش خشم سنگین مردم نسبت به نظام به ناحق حاکم بر ایران ندارد.

افزایش فشار بر دانشجویان دانشگاه شیراز

جو دانشگاه شیراز به شدت امنیتی شده است. نیروهای حراست و افراد وزارت اطلاعات بطور علنی در دانشگاه پرسه می زنند و از اجتماع دانشجویان جلوگیری می کنند. رفتار عوامل امنیتی با دانشجویان آزادیخواه جنون آمیز و وحشتناک شده است.

از وضعیت یونس میرحسینی که دستگیر شده است، هیچ اطلاعی در دست نیست.

عوامل اطلاعاتی یک دانشجو را ربودند

رضا نگاهداری دانشجوی دانشکده حقوق دانشگاه تهران توسط مأموران امنیتی ربوده و به نقطه نامعلومی برده شده است.

پیگیری ها باعث شد که به او اجازه تماس تلفنی کوتاهی داده شود. خانواده و دوستان این دانشجوی بازداشت شده در نگرانی فزاینده ای بسر می برند.

رضا نگاهداری چند نوشتار پیرامون آزادی و مردم سالاری نوشته و انتشار داده است.

شرایط دشوار زندگی کارگران هفت تپه

کارگران نیشکر هفت تپه، در حالی که روزی ۱۰ ساعت کار می کنند، هنوز حقوق ماه های آذر و دی را دریافت نکرده اند.

به مدیریت جدید شرکت گفته شده که اتحادیه کارگران که برگزیده کارگران هستند به رسمیت نشناخته و مشکلات کارگران را بطور مستقیم با خود آنها مطرح کنند.

کارگران قاطعانه به اعضاء هیأت مدیره شرکت اعلام کرده اند که: پیرامون مشکلات ما تنها با نمایندگان ما در اتحادیه می توانید گفت و گو کنید.

یک تشکل دانشجویی تعطیل شد

انجمن کارآفرینی دانشجویان دانشکده خبر تعطیل شد و احسان مازندرانی و صادق چناری به ترتیب به یک و دو ترم محرومیت از تحصیل محکوم شدند.

حکم زندان برای هفت شهروند تهرانی

هفت تن از شهروندان بازداشت شده اول آذرماه در گورستان بهشت زهرا به حبس و زندان محکوم شدند. اتهام آنها اقدام علیه امنیت از طریق اجتماع غیرقانونی در گورستان بهشت زهرا ذکر شده است.

امیر ساران، زندانی سیاسی در زندان درگذشت

کمیته گزارشگران حقوق بشر و مجموعه فعالان حقوق بشر در پی انتشار اخباری پیرامون مرگ امیرحسین حشمت ساران، لحظاتی پیش خانواده وی این خبر را تأیید نمودند. امیر ساران، در حالی که در شرایط جسمانی نامساعدی به سر می برد، با بی توجهی مسئولان زندان مواجه شد. وی روز ۱۵ اسفندماه در پی بروز عارضه سکته مغزی، به بیمارستان رجایی شهر انتقال یافت و صبح امروز درگذشت. مرگ این زندانی سیاسی در شرایطی صورت می گیرد که در طی دو سال گذشته، دو زندانی سیاسی دیگر، در روندی مشابه و نامعلوم در این زندان جان خود را از دست داده اند و هیچ یک از مسئولان نسبت به شرایط آنها، پاسخ گو نبوده اند.

امیر ساران در سال ۸۲ به دلیل تشکیل گروهی به نام «جبهه اتحاد ملی» بازداشت و در دادگاه انقلاب کرج به تحمل ۸ سال حبس تعزیری محکوم شد. وی که پیش از آن به دلیل شرکت در تجمع اعتراضی در برابر هتل لاله تهران، از سوی دادگاه انقلاب ۸ سال حبس تعلیقی دریافت نموده بود، با تبدیل حکم تعلیقی خود به حکم تعزیری، در مجموع به تحمل ۱۶ سال حبس محکوم شد.

این زندانی سیاسی که پنجمین سال حبس خود را در زندان رجایی شهر کرج سپری می کرد، طی این مدت تنها یکبار موفق به دریافت مرخصی شد. که با پایان یافتن مدت مرخصی اش توسط مأموران در منزلش بازداشت و به زندان انتقال یافت. وی در مصاحبه ای اعلام کرده بود «از آنجا که خود را گناهکار نمی داند به زندان باز نخواهد گشت». کمیته گزارشگران حقوق بشر، ضمن تسلیت به خانواده امیر ساران، دستگاه قضایی را مسئول مستقیم مرگ وی در زندان می داند. طبق قانون و معاهدات بین المللی، مادامی که زندانی در زندان به سر می برد، مسئولیت سلامتی وی بر عهده مسئولان زندان است.

با این حال، در ایران، مسئولان زندان، به تنها چیزی که اهمیت نمی دهند، جان زندانیان و به خصوص زندانیان سیاسی است.

کمیته گزارشگران حقوق بشر

حرمت آزادی را پاس بداریم

بقیه از ص ۶
 نبود. رویدادی که نمی توانست به سود منافع ملی و آینده سیاسی ایران بوده باشد.

در رده نامه آیت الله کاشانی به مصدق و پاسخ مصدق، باید گفت این نامه پس از پیروزی انقلاب اسلامی توسط حسن آیت که از پروردگان مظفر بقایی بود جعل و منتشر شد. دلیل آنهم رفع این اتهام که ناعهدی و جدایی یاران مصدق از جمله آیت الله کاشانی و بقایی یک عامل بزرگ سقوط دولت مصدق بود.

مصاحبه های کاشانی پس از ۲۸ مرداد با روزنامه های عربی و روزنامه «نبرد» وابسته به فدائیان اسلام که می گوید مصدق در سه چهار ماه گذشته مسیر اشتباه رفت و ما به سرنگونی دولت او باری رساندیم گواه نادرست و جعلی بودن نامه است.

در مورد فعالیت مظفر بقایی با مصدق همین بس که بگویم از صبح روز ۲۹ مرداد در سردر منزل مصدق توسط مظفر بقایی نوشته شده بود:

« سر شب به سر قصد تاراج داشت

سحرگه نه تن سر، نه سر تاج داشت»

«به یک گردش چرخ نیلوفری

نه نادر بجا ماند نه اسکندری»

بیاد آوریم گفته مصدق را که «گناه من و گناه نابخشودنی من آن بود که با قوی ترین قدرت استعماری جهان درافتادم و دست او را از منافع ملت ایران کوتاه کردم»

در پایان باید به این نکته اشاره کنم، همانگونه که در این همه سالها گفته و نوشته ام، طرح مسائل تاریخی که مربوط به گذشته است و قابل بازگشت نیست باید خودداری کرد چون می تواند در جبهه آزادیخواهان ایجاد نفاق و پراکندگی کند و بدون آنکه خواسته باشیم همچنان در دام گذشته گرفتار بمانیم.

بیبیم با آگاهی از تاریخ برای یافتن راه کار گرفتاری های اسفناک کنونی و رفتن به سوی آینده سود ببریم و نه آنکه در گذشته زندگی کنیم و به گذشته بیاندیشیم و مسائل فاجعه بار و ایران پرآباد ده کنونی را به دست فراموشی بسپاریم. ☪

سروده ای از نعمت میرزاده (م-آزرم)

برای مصدق**ستاره جاوید**

در آسمان وطن ای ستاره یکتایی
 میان آنهمه اختر هنوز تنهایی
 تورا چه نور به گوهر سرشته است زمان
 که هر چه دور شوی بیشتر هویدایی
 تو ای ستاره دنباله دار آزادی
 هنوز در ره پیموده روشنی زایی
 اگر چه رهبر دیروزهای ما بودی
 هنوز راهبر رهروان فردایی
 ز نیش طعنه ناپختگان نیاززدی
 بزرگمردی و بر کودکان شکیبایی

هر آنکه دامن آلوده خواست پاک کند
 به آبروی تو زد دامش که دریایی
 هر آنکه ماند به کارش، دوباره یاد تو کرد
 مگر طلسم گشایی مگر مسیحایی؟
 عدوی جان تو، هم یزدگرد و هم حجاج
 برفت آن یک و این هم رود، تو برجایی
 ز هرزه لایی این جانبان پست چه باک
 به پای تو نرسد دستشان که والایی
 سرشته است زمان نام تو به نام وطن
 درفش میهن مایی، همیشه برپایی
 به نام پاک تو، میهن هماره می بالد
 تو ای ستاره جاوید، مشعل مایی

خوانندگان گرامی می توانند مطالب خود را جهت چاپ در
 نشریه جبهه ملی خارج کشور، به نشانی زیر بفرستند.
 راه تماس با سازمان جوانان جبهه ملی خارج از کشور:

www.javanane-melli.de
 info@javanane-melli.de

نشریه**جبهه ملی ایران****خارج کشور**

با مسئولیت هوشنگ کردستانی زیر نظر

هیأت تحریریه

هوشنگ کردستانی، مهندس مسعود هارون مهدوی،

دکتر امیر هوشمند ممتاز و دکتر حسن کیانزاد هر ماه

یک بار در خارج از کشور انتشار می یابد

نوشتارهای با نام نویسنده در نشریه جبهه ملی ایران

خارج کشور، الزاماً نظر جبهه ملی ایران نیست.